

## چرا قراءات قرآن؟!

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

در این نوشتار درباره‌ی ضرورت طرد فنون قراءات در برابر یگانه قرائت مرسوم و فوق حدّ تواتر قرآن نزد مسلمانان بحث نموده و قول احسن تفسیری و فقهی فقیه مصلح قرآنی، آیه الله العظمی صادق‌ی تهرانی را از تفسیر الفرقان تقریر می‌کنیم زیرا به قول مکتوب صاحب تفسیر المیزان مرحوم علامه‌ی طباطبائی «قدّس سرّه»: «تفسیر شریف فرقان که زیارت شد موجب روشنی چشم و مایه‌ی افتخار ماست».

سخن ما با آن گروه از برادران و خواهران ایمانی است که در تلاشدن قرآن را با الفاظی دیگر که در متن آن نیست، قرائت کنند!! در حالی که قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ﴾ (سوره حجر، آیه ۹) در این آیه چنان که مشاهده می‌شود، خدای تعالی با ده لفظ ذیل: ﴿ان، نا، نحن، نزل، نا، ان، نا، له، ل، حافظون﴾ تأکید فرموده که قرآن را خودش حفظ خواهد نمود و در مورد هیچ یک از کتب آسمانی چنین تأکیدی را به کار نبرده است، بنابراین قرآن، همان گونه که به پیامبر اکرم ﷺ نازل شده بی‌کم و کاست در دسترس همگان است، ما به نحوه حفظ آن کاری نداریم و بحث تاریخی هم نمی‌کنیم، زیرا جز اتلاف عمر فایده‌ی دیگری ندارد، تنها برای رفع اختلاف برخی از مسلمانان درباره‌ی قرائت قرآن، با دقت نظر و تدبّر بیشتری در قرآن، به آیه‌ی ۱۸ و ۱۹ سوره‌ی قیامت رجوع می‌کنیم:

﴿إِن عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ قِرْآنَهُ \* فَإِذَا قرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قرْآنَهُ﴾ بی‌تردید گردآوری قرآن و [شیوه‌ی] خواندش، تنها بر [عهده‌ی] ماست \* پس هنگامی که آن را خواندیم، خواندش را پیروی کن.

در اینجا بسیار واضح است که ضمیر ﴿ه﴾ در ﴿قرْآنَهُ﴾ فقط به یک قرائت تصریح می‌کند نه به چندین قرائت، و گرنه، آیه این گونه نازل می‌شد: «فَإِذَا قرَأْنَاهُ بِقرْآءِ آتِهِ الْمُخْتَلَفَةِ، فَاتَّبِعْ قرْآءِ آتِهِ» پس با تأملی مختصر در آیه‌ی ﴿فَإِذَا قرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قرْآنَهُ﴾ به خوبی معنای ذیل از آن برداشت می‌شود: «پس هنگامی که آن [قرائت واحد] را خواندیم [تو نیز] خواندن [واحد] آن را پیروی کن» نه این که: «از قرائات چندگانه پیروی کن»!

زیرا بجای ﴿قرْآنَهُ﴾ هرگز واژه‌ی «قرائینه» یا «قرآء آتیه»، نازل نشده. تا فرضاً مجاز باشیم که قرآن را بجای قرائت واحد، با قراء آتی دیگر بخوانیم!

بنابراین تا اینجا روشن شد که نحوه‌ی قرائت قرآن، تنها یک گونه است نه چند گونه!! و این قرائت واحد هم، قرائت از همین قرآن مرسوم در سطح جهان است که خدای متعال، نزول، قرائت و حفاظت آن را خود، عهده‌دار شده و در دسترس مردم قرار داده است؛ نام اصلی این قرائت: «قرائت قرآن به روایت رسول الله ﷺ از خدای متعال» است، و اگرچه به نام «قرائت حفص از عاصم» مشهور شده، ولی محافظت قرآن از تحریف لفظی تنها با قدرت لایزال خدای سبحان تحقق یافته است.

حال اگر پرسیده شود: پس قراءات دیگر چیست؟

ما با سخن پیامبر گرامی اسلام ﷺ پاسخ می‌دهیم زیرا بر اساس نقل متواتر شیعه و عامّه، آن حضرت به هنگام ایراد خطبه‌ای در سرزمین مَنا، چنین فرمود: «إِيَّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي فَوَافِقَ كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا قَلْتَهُ وَمَا جَاءَكُمْ يَخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَمْ أَقُلْهُ»<sup>۱</sup> ای مردم؛ آنچه از - طرف من، - برای - شما آمد که موافق کتاب خدا بود من آن را گفته‌ام و آنچه [از احادیث] به شما رسید که مخالف قرآن بود من آنرا نگفته‌ام.

اکنون ما با عمل به فرمان فوق‌الذکر قراءت متفاوتی مانند: قرائت ابن عامر، ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه، کسائی، نافع، خَلَف، یعقوب و ابو جعفر؛ و یا روایاتی که به جای ﴿مَالِكٌ﴾، خواندن «مَلِك» را در سوره‌ی حمد جایز دانسته؛ همه را با قرآن محک زده و به آن عرضه می‌داریم و چون با قرآن متواتر مرسوم، مخالف می‌باشند، آن قراءت را مردود می‌دانیم.

و اگر گفته شود که: شما هم قرائت عاصم به روایت حفص را محور نفی یا اثبات روایات و قراءت قرار داده‌اید پاسخ می‌دهیم که: اولاً قرائت عاصم، قرائت متواتر قرآنی از رسول گرامی اسلام ﷺ است، ثانیاً این قرائت تنها مستند به روایت حفص نیست، بلکه عموم مسلمانان و حفاظ قرآن در نقل سینه به سینه‌ی آن تلاش کرده‌اند و بالاتر از آن در اصل، بر حسب نقل فوق حد تواتر از سوی رسول الله ﷺ و ائمه‌ی اهل‌البیت علیهم‌السلام، تصدیق شده است پس این قرائت متواتر قرآن، چه به کسی نسبت داده شود و یا هرگز منسوب به کسی نباشد به دلیل تواتر فوق تصور آن، همان قرائت یگانه‌ی قرآن است.

ثالثاً: قرائتهای دیگر نه تنها میان خود اختلاف و تضاد دارند بلکه حتی آیاتی از قرآن را با آیات دیگرش متناقض نشان می‌دهند با این که در بین آیات قرآن هیچ اختلافی وجود ندارد بنابراین در قراءت مختلف، علاوه بر اختلاف لفظی، تضاد معنوی نیز هست و این خود، سر از تضاد و حیانی قرآن، در می‌آورد و آن را از حجیت و قاطعیت می‌اندازد که از نظر آیاتی چند، بر خلاف صیانت کلی ربّانی، نسبت به قرآن است.

تذکر این نکته لازم است که اگر کتاب خدا، آن هم با يك قرائت، برای مکلفان مجهول باشد و بر فرض محال، قرآن چندین قرائت متفاوت داشته باشد قاعده‌ی «عرضه‌ی روایات و اقوال بر قرآن» نیز مفهومی نخواهد داشت یعنی عرضه‌ی روایات منقول از اهل بیت نبوت ﷺ و نیز عرضه‌ی بقیه‌ی اقوال بر «قرآن با قراءت مختلف» به جهت اختلاف معنوی، بی‌ثمر خواهد بود بنابراین عرضه‌ی صحیح و نتیجه بخش روایات بر قرآن فقط عرضه‌ی آنها بر یگانه قرائت مرسوم قرآن می‌باشد که در میان میلیاردها مسلمان در طول تاریخ اسلام تا عصر حاضر وجود داشته و تا قیامت نیز همین قرائت واحد - با تأیید خدای سبحان - محفوظ خواهد بود و به اتفاق مسلمین هرگز تحریفی به عنوان زیاد شدن نقطه، لفظ و یا آیه‌ای در آن راه نیافته و نخواهد یافت؛ بنابراین قطعاً روایات و قراءت چندگانه‌ی مذکور، کذب و تهمت‌ی ناشایسته نسبت به رسول صادق اسلام است.

زیرا همانطور که اشاره کردیم قراءت مختلف در بسیاری از موارد، تضاد و تناقض در معنای آیات به وجود می‌آورند، مثلاً آیا لفظ ﴿مَنْ﴾ در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی مریم، موافق با «مَنْ» است؟! و یا معنای ﴿لَاهَب﴾ در آیه‌ی ۱۹

<sup>۱</sup>. بحارالانوار: ج ۲، باب ۲۹، ح ۳۹.

همان سوره، مخالف با «لِيَهَبَ» نیست؟! مسلم است که اینها در لفظ و معنا با یکدیگر فرق دارند و حتی چنانکه ملاحظه می شود بعضی از قراءت، تمسخر قرآن است؛ مانند اینکه به جای ﴿جِئْتِ شَيْئًا﴾ در آیه ۲۷ سوره ی مریم - معاذالله - می گویند: «جِئْتِ شَيْئًا»؟! یا به جای ﴿قَالَ رَبُّكَ﴾ در آیه ۲۱ از این سوره - معاذالله - می گویند: «قَارَبُكَ»؟!؟

واقعاً باید گریست بر این ظمی که به قرآن می شود، ببینید کار مسلمانان به کجا رسیده که به جای تدبّر در قرآن ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد، ۲۴) بعضی اشخاص ناآگاهانه یا آگاهانه، با تشکیل جلساتی و خواندن الفاظی مختلف به جای الفاظ اصلی آیات قرآن، عمر عزیز جوانان را تباه می کنند و به اختلاف در متن و محور اسلام دامن می زنند؛ در اینجا است که شکایت پیامبر ﷺ از مسلمانان را به یاد می آوریم:

﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ (فرقان، ۳۳)

آری! اکثریت قوم پیامبر ﷺ این قرآن را مهجور نموده و به جای تمسّك به معارف بیکران و احکام نورانی اش، تنها به قرائت آن و متأسفانه بعضی از آنان نیز به قراءت مختلف جعلی، روی آورده، قلب پیامبر ﷺ را آزرده اند، که بی تردید اذیت کردن رسول الله ﷺ پیامد دردناکی دارد ﴿... وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (توبه، ۶۱)

نکته آخر اینکه چون پیش از تحریر این مقاله، در بحث انتقادی قراءت، این پیشنهاد در قالب سؤال مطرح شده بود که: آیا بهتر نیست ما هم فنون قراءت دیگر را یاد بگیریم تا فضلی بر سنی ها داشته باشیم؟

در جواب می گوئیم: آیا درست است که پیامبر اکرم ﷺ مأمور به اتباع از قرائت یگانه ی قرآن باشد ولی ما به خاطر فضل بر عامه، با عملکرد پیامبر ﷺ مخالفت کنیم، که در آن صورت، کاری بر خلاف ﴿مَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ انجام داده ایم چون ﴿مَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ در شیوه ی قرائت قرآن ﴿فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ است نه «فاتبع قراء آته المختلفه»!!

حال آنکه اگر کسی فقط يك مرتبه قرآن را خوانده باشد می داند که خدای تعالی در آیات ۴۴، ۴۵ و ۴۷ سوره ی مائده، کسانی را که با دانستن ﴿مَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ به آن حکم نکرده و سکوت اختیار کنند، کافر، ظالم و فاسق برشمرده است تا چه رسد به آنان که پس از آگاهی به ﴿مَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ بر خلاف آن حکم کنند و چیز دیگری بگویند که در این صورت کافرتر و ظالمتر و فاسقتر خواهند بود.

به امید روزی که با اعتصام جمیع مسلمانان به معارف والای قرآن، وحدت حقیقی اسلامی به وقوع پیوندد و با قیام امام قائم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» آرزوی دیرینه ی اهل بیت رسالت ﷺ و پیروان راستین آنان برای احیای قرآن و اجرای احکامش تحقق یابد. «أين المؤمل لحياء الكتاب و حدوده»

والسّلام علی عبادالله الصّالحین

قم - محسن نورانی - رمضان المبارک ۱۴۱۹ هـ. ق

مطابق با دیماه ۱۳۷۷ هـ. ش